

## The Obstacles to Iran's Permanent Membership in the World Trade Organization

Iman Pak Sima<sup>1</sup>, Seyed Bagher Mir Abbasi<sup>2</sup>, Mohammad Sadeghi<sup>3</sup>, Seyyed Taha Mousavi Mirkelai<sup>4</sup>

<sup>1</sup> PhD., Student, Department of Public International Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. kartana33@gmail.com

<sup>2</sup> Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author), mirabbassi.sb@gmail.com

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Law, Hormozgan University, Bandar Abbas, Iran. mo.sadeghi@hormozgan.ac.ir

<sup>4</sup> Assistant Professor, Ershad Institute of Higher Education, Damavand, Tehran, Iran. taha\_mo61@yahoo.com

### Abstract

The aim of the present research is to examine the obstacles existing in Iran's laws for accepting commitments to the World Trade Organization (WTO). The research method is descriptive-analytical, and the results indicate that Iran's problems in joining the WTO stem from both internal and external factors. Apart from the current problems and instabilities prevailing in Iran's economy, some domestic laws also fail to align with WTO regulations. For instance, Article 44 of the Constitution, which enforces state ownership and monopolies in significant sectors such as industries, mines, banking, radio and television, shipping, aviation, etc., underscores the overbearing presence of government and semi-government entities in the economy, while relegating the private sector to a marginalized role in economic activities. Furthermore, due to the absence of a single exchange rate, regulations related to foreign insurances, insufficient support for foreign investment in Iran and high import tariffs, some other domestic laws not only fail to conform to WTO regulations but also contradict them significantly. In Iran, due to access to foreign currency resources derived from oil exports, the foreign trade sector has not developed properly and proportionately to the needs, resulting in various problems. The emergence of these issues and the potential decrease in oil export revenues in the future underscore the significance of the foreign trade sector and its presence in global markets. Therefore, increasing production, enhancing export capabilities and competitiveness on a global scale, and benefiting from the facilities of the WTO are raised as necessities.

**Keywords:** World Trade Organization, International Trade Laws, Iran, International Economy, Foreign Investment.

Received: 2023/04/29 ; Received in revised form: 2023/06/28 ; Accepted: 2023/08/15 ; Published online: 2023/12/22

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University



## موانع عضویت دائم ایران در سازمان تجارت جهانی

ایمان پاک سیما<sup>۱</sup>، سید باقر میرعباسی<sup>۲</sup>، محمد صادقی<sup>۳</sup>، سید طه موسوی میرکلانی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

kartana33@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mirabbassi.sb@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه حقوق، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. mo.sadeghi@hormozgan.ac.ir

<sup>۴</sup> استادیار، موسسه آموزش عالی ارشاد، دماوند، تهران، ایران. taha\_mo61@yahoo.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی موانع موجود در قوانین ایران برای پذیرش تعهدات سازمان تجارت جهانی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان می‌دهد که مشکلات ایران جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. به غیر از مشکلات، معضلات و ناسامانی‌های فعلی حاکم بر اقتصاد ایران، برخی از قوانین داخلی نیز با مقررات WTO همخوانی ندارند. از جمله اصل ۴۴ قانون اساسی، مالکیت و انحصار دولت بر صنایع و معادن بزرگ، بانکداری، رادیو و تلویزیون، کشتیرانی، هواپیمایی و... (یعنی حضور بیش از حد دولت و شبه دولتی‌ها در عرصه اقتصاد و نقش کمرنگ بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی)؛ همچنین تک‌نرخ نبودن نرخ ارز و قوانین مربوط به بیمه‌های خارجی، عدم حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تعرفه‌های بالای واردات و برخی دیگر از قوانین داخلی، به هیچ وجه با مقررات WTO همخوانی ندارد؛ بلکه به شدت مغایرت هم دارند. در ایران به دلیل دسترسی به منابع ارزی حاصل از صدور نفت، بخش تجارت خارجی به درستی و متناسب با نیازها توسعه نیافته و در نتیجه مشکلات گوناگونی پدید آمده است. بروز این مشکلات و کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت در آینده اهمیت بخش بازرگانی خارجی و حضور در بازارهای جهانی را گوشزد می‌نماید، بنابراین، افزایش تولید، بالا بردن توان صادراتی و رقابتی در سطح جهان و بهره‌مندی از تسهیلات سازمان تجارت جهانی به عنوان یک ضرورت مطرح است.

**کلیدواژه‌ها:** سازمان تجارت جهانی، قوانین تجارت بین‌المللی، ایران، اقتصاد بین‌الملل، سرمایه‌گذاری خارجی.

**پژوهش حاضر برگرفته از:** رساله دکتری ایمان پاک سیما با عنوان «موانع دستیابی به تجارت آزاد در سازمان تجارت جهانی»، استاد راهنما: سید

باقر میرعباسی و استاد مشاور: محمد صادقی و سید طه موسوی میرکلانی است.

**استاد به این مقاله:** پاک سیما، ایمان؛ میرعباسی، سید باقر؛ صادقی، محمد؛ موسوی میرکلانی، سید طه (۱۴۰۲). موانع عضویت دائم ایران در سازمان تجارت جهانی. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۰(۴)، ص ۷-۲۸.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسنده‌گان.



## ۱. مقدمه

در عصر حاضر اقتصاد ملی کشورها تحت تأثیر جدی فرایند پدیده جهانی شدن دچار چالش شده است. اصول و قواعد رفتاری که در گذشته حاکم بوده، در حال حاضر اهمیت خود را از دست داده و اصول و قواعد جدیدی در حال شکل‌گیری است. در نتیجه تحول مفهوم حاکمیت، کنترل و نفوذ دولت مردان بر کشور، همانند گذشته مطلق نیست که دخالت و کنترل مؤثر بر تمامی موضوعات را در محدوده سرزمینی خود داشته باشند و دیگر تنها دولت‌ها تصمیم‌گیرنده نهایی در همه مسائل اقتصادی نیستند (هاشم‌پور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۷). امروزه در کنار دولت‌ها، قدرت‌های دیگری که در تأثیرگذاری، گاهی از دولت‌های ملی هم قدرت و نفوذ مؤثرتری دارند، فعالیت می‌کنند. علاوه بر آن، جهانی شدن اقتصاد موجب شده است تا مرزهای جغرافیایی و حاکمیت ملی سنتی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری خارجی، نقل و انتقالات مالی، هر روز نقش کم‌تری داشته باشد. از سوی دیگر، موانع گمرکی و تجاری به حداقل کاهش یافته‌اند و امکان دارد در بلندمدت به طور کامل حذف گردد. دریافت عوارض گمرکی به‌عنوان یکی از مظاهر حاکمیت در حال کمرنگ‌تر شدن است و با فرسایش تدریجی حاکمیت مطلق دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی نقش آفرین شده‌اند.

در همین راستا، الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی یکی از موضوعات بحث‌انگیز اقتصادی کشورمان طی دو دهه اخیر بوده است. عضویت در این سازمان مستلزم پذیرفتن اصول تجارت آزاد و معاهدات متعددی است، که مورد قبول کلیه کشورهای عضو آن نهاد بین‌المللی قرار دارد. همچنین پیش شرط الحاق به سازمان تجارت جهانی، انطباق قوانین و مقررات داخلی، با قوانین و مقررات این سازمان است. بعد از پذیرش عضویت ناظر کشورمان در سال ۱۳۸۴ و تدوین و تقدیم رژیم تجاری ایران در سال ۱۳۸۸ و پاسخ‌گویی به ۶۹۷ سؤال آن سازمان در سال ۱۳۹۰، عملاً به لحاظ اعمال تحریم‌ها، روند الحاق کشورمان فعلاً متوقف مانده است. بنابراین، رفع موانع قانونی در شرایط فعلی ضروری به نظر می‌رسد.

هدف از این مقاله بررسی موانع موجود قوانین ایران در پذیرش تعهدات سازمان تجارت جهانی است. در همین راستا، یک سؤال اصلی و دو سؤال فرعی زیر مطرح است: سؤال اصلی پژوهش آن است، که عضویت دائم ایران، در سازمان تجارت جهانی چه موانعی پیش روی دارد؟ و سؤالات فرعی به شرح زیر است:

(۱) اقدامات ایران برای پیوستن به جریان تجارت آزاد بین‌المللی کدامند؟

۲) چالش‌های قانون سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با مقررات سازمان تجارت جهانی کدامند؟ هر سه این سؤالات با روش پژوهش کتابخانه‌ای، مورد مطالعه، ارزیابی و تحلیل قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است، تحقیقات زیادی در مورد جایگاه ایران در سازمان تجارت جهانی به نگارش درآمده است؛ اما پژوهشی جامع در مورد موانع عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی به انجام نرسیده است. در پژوهش حاضر، موانع دستیابی ایران به جریان تجارت آزاد سازمان تجارت جهانی از ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، حقوقی و ... مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲. اقدامات ایران برای پیوستن به جریان تجارت آزاد بین‌المللی

افزایش نقش نظام تجارت چندجانبه در ترتیبات رفتار تجاری کشورها، الحاق کشور ایران به نظام تجارت چندجانبه را قوت بخشید؛ و در دومین سال تأسیس سازمان تجارت جهانی (۱۳۷۵)، درخواست پیوستن ایران به این سازمان ارائه شد، هرچند با مخالفت آمریکا روبرو گردید (کميجانی، ۱۳۹۰، ص ۳۸). طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ (۱۹۹۶-۲۰۰۲)، ایران ۱۲ بار الحاق به سازمان تجارت جهانی را درخواست نمود که هر بار با مخالفت آمریکا روبرو شد. شورای عمومی سازمان تجارت جهانی در نشست خود در روز ۱۳۸۲/۵/۲ (۲۴ ژوئیه ۲۰۰۳)، برای سیزدهمین بار درخواست الحاق ایران را مورد بررسی قرار داد (هراتیان‌نژاد و زارعی، ۱۳۹۷، ص ۱۹) و بار دیگر به دلیل مخالفت آمریکا نتوانست در مورد تشکیل کارگروه پیوستن ایران به اجماع برسد. هرچند برای بار چهاردهم این درخواست در ۲۴ اوت ۲۰۰۳، در پنجمین نشست وزیران بازرگانی سازمان تجارت جهانی، در دستور کار شورای عمومی سازمان قرار گرفت، اما برای بار دیگر از طرف آمریکا رد شد (سوری، ۱۳۹۷، ص ۳۲). در نهایت آمریکا پس از ۲۱ بار مخالفت با تقاضای ایران، در ۱۳۸۴/۳/۵ (۲۶ مه ۲۰۰۵) موافقت خود را با این درخواست اعلام کرد و به دنبال آن ایران به‌عنوان عضو ناظر پذیرفته شد (راستی، ۱۳۹۲، ص ۲۱).

یکی از شروط عضویت در سازمان تجارت جهانی موافقت کلیه اعضا است که در بیست و یک مرحله قبلی، آمریکا طی ۹ سال با عضویت ایران مخالفت می‌کرد. در مرحله بعدی در ۱۳۸۸/۸/۲۵ تقدیم نخستین ویرایش از رژیم تجاری جمهوری اسلامی (خط‌مشی‌ء سیاست تجاری) به سازمان تجارت جهانی صورت گرفت. سپس در ۱۳۸۸/۱۱/۳۰ اولین سری سؤالات سازمان تجارت جهانی قریب به ۷۰۰ سؤال در خصوص رژیم تجاری ایران پرسیده شد، در آبان سال ۱۳۹۰ وزارت بازرگانی پاسخ این سؤالات را با همکاری دستگاه‌های دولتی و نهادهای ذی‌ربط که تعداد آن‌ها به بیش از ۵۰ نهاد بالغ می‌شد، تهیه کرد و به سازمان تجارت جهانی ارائه کرد. از آن زمان تاکنون به علت مشکلات

سیاسی، الحاق ایران در همین مرحله متوقف مانده است. البته روال قانونی الحاق به این صورت است که چنانچه سؤال یا ابهامی وجود داشته باشد، مجدداً از ایران پرسیده خواهد شد و این روند پرسش و پاسخ تا رسیدن به استانداردهای لازم ادامه خواهد یافت (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۴).

### ۳. موانع دستیابی ایران به جریان تجارت آزاد سازمان تجارت جهانی

#### ۳-۱. موانع سیاسی

ممالکی که کمبود سرمایه و تکنولوژی دارند، می‌توانند با جذب شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، نسبت به برطرف نمودن این مشکل اقدام کنند (قادری، ۱۳۸۸، ص ۳۷). از جمله موانع اصلی حضور این‌گونه شرکت‌ها در کشور جمهوری اسلامی ایران، تضاد سیاسی آمریکا با این کشور و تحریم شرکت‌ها در صورت فعالیت در آن کشور است. بدین ترتیب امید نیست که با وجود اجرای سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی موکد از سوی سازمان‌های یادشده و مهیاء کردن وضعیت مطلوب و قابل‌پذیرش در کشور جهت جذب این سرمایه‌ها، تا آن زمان که سیاست تحریم و تهدیدات آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران پابرجا باشد، خودنمایی گسترده و مؤثر شرکت‌های چندملیتی در ایران مشاهده شود. بنابراین، ناتوانی در جذب سرمایه و تکنولوژی سبب ضعف در تولید، بیکاری، پایین بودن سطح دستمزدها و فقر در کشور می‌شود (ادیب، ۱۳۸۶، ص ۹۱).

هرچند اعمال تدابیر پیشنهادی از سوی سازمان‌های مورد بحث در حال اجراست، اما بدون آمادگی کامل و وجود تضاد سیاسی بین کشور ایران و آمریکا، شوک اولیه احتمالی وارد آمده بر اقتصاد کشور، امکان دارد مدت زمان زیادی به درازا بیانجامد.

#### ۳-۲. موانع اقتصادی

ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی با چالش‌هایی در اقتصاد و تولید خود مواجه شده است. حداقل در کوتاه‌مدت، بیکاری، تعطیلی کارخانه‌های کم‌بازده، آسیب دیدن کسب‌وکارهای سنتی، کاهش فروش برندها و محصولات داخلی و... گریبان اقتصاد ایران را خواهد گرفت (بشارتی، ۱۳۸۹، ص ۲۹). اما در مجموع می‌توان گفت براساس تجربیات سایر کشورها، در بلندمدت تولیدکنندگان باکیفیت ایرانی می‌توانند صادرات خود را توسعه دهند و مشتریان بیشتری داشته باشند. در واقع این‌طور باید تشریح کرد که شرایط موجود اقتصادی کشور خود به مانعی جدی تبدیل شده است، که در ادامه به مهم‌ترین موانع موجود اشاره می‌شود (احمدی کاشانی، ۱۳۹۱، ص ۸۴).

(۱) ساختار نامطلوب تولید: در حوزه ساختار تولیدی کشور، قسمت عظیمی از مشکلات اقتصادی

کشور به ساختار تولید و نامناسب بودن منحنی عرضه کل اقتصاد برمی‌گردد. نبود سرمایه و تکنولوژی مکفی و مدرن از یک‌سو، موجب عدم توانایی در هماهنگی بخش عرضه و تقاضا شده است؛ از سوی دیگر، دلیلی بر افزایش بیکاری در کشور گشته است. در این شرایط راهیابی به اقتصاد جهانی و گشودن درهای اقتصاد کشور دشوار خواهد بود؛ چراکه کشتش پایین عرضه، اجازه افزایش تولید در سطح صادرات گسترده را نمی‌دهد و همچنین به دلیل تقاضای بالا در کشور، باز شدن اقتصاد راه به افزایش واردات می‌برد، که می‌تواند نتیجه‌ای منفی به دنبال آورد. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد (صنایعی و آذربایجانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸).

♦ بدتر شدن وضعیت تراز پرداخت‌ها در کشور، افزایش نرخ ارز و افزایش قیمت کالاهای وارداتی؛

♦ از میان رفتن بسیاری از صنایع غیرکارآمد و تازه در رقابت با تولیدات خارجی؛

♦ افزایش بیکاری به دنبال تعطیل شدن فعالیت‌های اقتصادی غیرقابل رقابت و...؛

لازم به ذکر است، که تمامی این عوامل خود به عنوان شوک‌های ناشی از اجرای سیاست آزادسازی عمل می‌کنند.

**۲) شاخص‌های اقتصادی:** تعدادی از شاخص‌های اقتصادی در کشور در حال حاضر دارای وضعیت مناسبی نیستند. بیکاری، نرخ بالای تورم، توزیع نامناسب درآمد و... سبب شده است تا بخش عظیمی از جامعه زیر خط فقر باشند. بنابراین، مشاهده می‌شود که تعدادی از این شاخص‌ها در وضعیت بحران قرار دارند و هرگونه شوکی که به دنبال تدابیر آزادسازی، قانون‌زدایی و خصوصی‌سازی و به مطلوبیت رساندن هر کدام از این شاخص‌ها منتهی گردد، می‌تواند اقتصاد کشور و امنیت ملی را با خطر مواجه کند.

**۳) عدم آمادگی جهت حضور در اقتصاد جهانی:** اقتصاد ایران، اقتصادی دولتی است که بخش اعظم فعالیت‌های اقتصادی آن در دستان دولت است؛ بنابراین، عملیات شتاب‌زده در به‌کارگیری تدابیر آزادسازی و خصوصی‌سازی می‌تواند تأثیر نابجایی بر تولید ملی، نرخ اشتغال و قیمت‌ها وارد کند. در نتیجه، اجرای این تدابیر در کشور می‌بایست کاملاً تدریجی و آرام رخ دهد. از این‌رو، مشاهده می‌شود که اگر جهانی شدن و فشار بر کشورها جهت اصلاحات افزایش یابد، به تبع آن شوک‌های جدی در اقتصاد کشور وارد می‌شود و موجب ایجاد بحران می‌گردد.

**۴) بیکاری:** در ایران هم به مانند بسیاری از دیگر کشورهای در حال توسعه، مازاد نیروی کار مشاهده می‌شود.

در پی آزادسازی و خصوصی‌سازی کارخانجات دولتی، نیروهای مازاد بیکار شده‌اند و این عمل

موجب تشدید وضعیت بیکاری شده است. در پی این اقدام، بحران بیکاری جوانان، برجسته‌تر شده و در نهایت ایجاد بحران و مخاطره در امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به وجود آمده است. اما در بعضی موارد آزادسازی و خصوصی سازی می‌تواند راهگشای معضل بیکاری باشند و آن را کاهش دهند؛ برای نمونه، افزایش تولیدات داخلی به دنبال آزادسازی تجارت خارجی می‌تواند ظرفیت‌های تولید داخلی را ازدیاد بخشد و نوعی اشتغال‌زایی پدیدار نماید؛ یا در گام خصوصی سازی، با رشد این بخش، افزایش سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی صورت گیرد که می‌تواند موجبات کاهش معضل بیکاری را فراهم نماید.

بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که، پذیرش این وضعیت با ملاحظه وضعیت موجود کشور، هم می‌تواند بر اشتغال کشور تأثیر منفی داشته باشد و هم مثبت. پس مدیریت بازار کار می‌تواند برآیند این دو عامل را تعدیل کند و با مدیریت صحیح و اصولی بازار کار و همزمان تأثیر در سایر عوامل مؤثر می‌توان از اثرات منفی این فرایند بر اشتغال کاست و از دستاوردهای مثبت آن بهره‌مند گردید.

**۵) نرخ تورم:** یکی از ایراداتی که بر سیاست‌های آزادسازی و خصوصی سازی گرفته می‌شود، افزایش تورم در کشور است. عده‌ای بر این باورند که چون اغلب محصولات تولیدی بخش عمومی با یارانه در اختیار مردم قرار می‌گیرند، یا به برخی از کالاهای اساسی نیز یارانه تعلق می‌گیرد، با آزادسازی قیمت‌ها دولت بالاجبار باید یارانه‌ها را حذف نماید و تعیین قیمت این کالاها را به مکانیسم بازار بسپارد؛ که این امر منجر به افزایش قیمت این کالاها خواهد شد. همچنین آزادسازی نرخ ارز، باعث افزایش قیمت مواد اولیه کالاهای تولید داخل می‌شود که در نهایت، افزایش قیمت کالاهای تولید داخل را باعث می‌شود. ولی باید توجه داشت که این موارد آثار کوتاه‌مدت این سیاست‌ها خواهند بود و در کوتاه‌مدت نیز این تورم برای رشد اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است؛ ولی در بلندمدت با افزایش ظرفیت‌های تولید و عقلانی شدن سیستم قیمت‌ها این شکل تورم نیز رفع خواهد شد. البته این بستگی به شرایط کشوری دارد که این سیاست‌ها در آنجا اعمال می‌شود. اگر کشوری بتواند مشکلات اولیه تورم را تحمل نماید، می‌تواند در بلندمدت از مزایای این سیاست‌ها منتفع شود، ولی با توجه به شرایط خاص کشور ایران، این اقدام برای این کشور اگر به صورت یکجا و یک‌باره صورت گیرد، مشکل‌ساز می‌شود و باید به صورت تدریجی و مرحله‌ای به اجرا گذاشته شود.

**۶) فساد مالی و اداری:** سیاست‌گذاری و مدیریت بخش‌های اقتصادی در مملکت، بیشتر در اختیار دولت است و تمرکزگرایی و انحصار، فساد را به دنبال دارد و تنها راه‌حل آن تمرکززدایی است. با این وصف، برجسته‌ترین اثری که آزادسازی و قانون‌زدایی بر اقتصاد و جامعه دارد؛ ایجاد فضای رقابتی در ارائه تولیدات، و خدمات با کیفیت بیشتر و قیمت‌های عادلانه است؛ زیرا رقابت جهت

قیمت و کیفیت کالاها و خدمات، خود سدی در برابر فسادهای اداری و مالی است (علیاری و سوری، ۱۳۹۵، ص ۶۴). هدف از این امر، دادن افسار به بازار نیست، بلکه اجرایی شدن کنترل و نظارت است.

۷) **تأثیر بر تجارت خارجی:** آزادسازی تجاری می‌تواند دست مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان کشور را در انتخاب بازار تولید و مصرف باز بگذارد. مثلاً مصرف‌کنندگان داخلی با توجه به مطلوبیت خود و قیمت کالاها، در انتخاب کالاهای داخلی و خارجی آزاد خواهند بود و کالای داخلی با کیفیت پایین و قیمت بالا را بر کالاهای خارجی ترجیح نخواهند داد. در صنعت نفت نیز ایران جزء بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت است. با آزادسازی تجاری و رفع و موانع راحت‌تر می‌تواند به همه نقاط جهان نفت صادر کند. البته این بُعد مثبت قضیه است و در کنار آن باید به نکات دیگری هم توجه کرد. به طور مثال، بعد از عضویت کامل در سازمان تجارت جهانی و پیوستن به جریان آزادسازی تجاری، ایران هم‌پیمانان اقتصادی زیادی پیدا خواهد کرد؛ در نتیجه به واسطه افزایش هم‌پیمانان اقتصادی فشار تحریم‌ها کاهش خواهد یافت. در صورتی که در وضعیت فعلی، ایران از طرف آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، حتی ژاپن و کره جنوبی نیز -که گاهی با آمریکا در اتخاذ سیاست‌های تنبیهی علیه او متحد می‌شوند- دارای محدودیت است.

۸) **افزایش فقر و توزیع ناعادلانه درآمد:** فقر و توزیع ناعادلانه درآمدها، یکی از ویژگی‌های نامطلوب اقتصاد ایران است. پدیده فقر تنها از منظر مسائل ارزشی و انسانی مورد توجه نیست؛ بلکه فقرزدایی به صورت یک مسئله فنی در فرایند رشد و توسعه کشورهای توسعه‌نیافته باید مورد توجه قرار گیرد و کشورهای در حال توسعه، بیش از هر چیز نیازمند «سرمایه انسانی» توانا و کارآمد هستند. فقر، سرمایه را به شدت تحلیل می‌برد و به صورت مانعی عمده بر سر راه توسعه رخ می‌نماید. همچنین فقر با وجود شکاف‌های فاحش طبقاتی در جامعه، همواره زمینه‌ساز آشوب‌های اجتماعی است. این آشوب‌ها ثبات نظام را که از لوازم توسعه در کشورهای جهان سوم است، به خطر می‌اندازند. در ایران، آزادسازی تجاری، بدون توجه به رفع تنگناهای ساختاری در بخش تولید، حذف یا کاهش یارانه‌ها بدون توجه به هدفمند کردن آن‌ها، تدوین یک نظام تأمین اجتماعی فراگیر، تضعیف ارزش پول ملی بدون توجه به آثار تورمی آن، خصوصی‌سازی به صورت سلب مالکیت دولتی و عدم نظارت و همکاری با بخش خصوصی و... همگی در کوتاه‌مدت سبب افزایش فقر و توزیع ناعادلانه درآمدها در جامعه می‌شود (آذری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۴).

در حوزه بودجه دولت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) کاهش و کسری در بودجه؛



- ۲) ناکارآمدی سیستم مالیات؛
- ۳) تورم منبعث از استقراض از بانک مرکزی؛
- ۴) کاهش میزان رشد و سهم بخش خصوصی به دلیل نامتقارن بودن ساختار بودجه سالانه؛
- ۵) کاهش تعدیل در پرداخت‌ها؛

در فرایند عضویت در سازمان تجارت جهانی، بزرگ‌ترین چالش امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران، بُعد اقتصادی آن است. طبق گزارش واحد اطلاعات اکونومیست<sup>۱</sup>، ایران در حالی که بیش از ۱/۰ درصد جمعیت جهان را در اختیار دارد فقط حدود ۰/۳۰ درصد از صادرات جهان را در سال ۱۴۰۰ به خود اختصاص داده، درحالی که سطح تجارت طی دهه گذشته در جهان افزایش یافته است؛ لیکن سهم ایران در تجارت جهانی از ۱/۵ درصد در دهه ۵۰ به ۰/۸ درصد در سال ۱۳۸۶ و ۰/۵۳ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. تمامی این آمار و ارقام نشان از عقب‌افتادگی ایران از قافله اقتصادی جهان و تحولات مربوطه دارد. روند اقتصاد جهانی بسیار ناجوانمردانه پیش می‌رود؛ درحالی که صادرات غیرنفتی ایران بر پایه مواد اولیه و خام استوار است. در مقابل، اقتصاد جهانی، صناعی را تجربه می‌کند که بر پایه دانش استوارند و این شکاف به‌خوبی ابعاد چالش‌های اقتصادی کشور را مبرهن می‌سازد.

### ۳-۳. موانع حقوقی

در ادامه موانع حقوقی موجود در قوانین داخلی کشور ایران بررسی خواهد شد:

#### ۳-۳-۱. موانع موجود در قانون اساسی

در اصل چهارم قانون اساسی، به انطباق قوانین اقتصادی با موازین اسلامی تأکید شده، لیکن در بند ۴ از ماده ۱۶ موافقت‌نامه تأسیس سازمان آمده است: هر عضو ملزم به تطبیق قوانین و آیین‌نامه‌های اداری کشور خود با تعهداتش درگات می‌باشد. بنابراین، دولت متقاضی عضویت در سازمان می‌بایست، قوانین و مقررات داخلی خود را کاملاً با اصول سازمان و قواعد و مقررات موافقت‌نامه‌های مرتبط، هماهنگ نماید.

اصل چهل و چهارم قانون اساسی، کلیه صنایع مادر، تجارت برون مرزی، معادن، صنعت بانکداری و بیمه، سدها، سیستم آبرسانی، صدا و سیما، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، صنعت کشتیرانی، راه‌آهن و... را در اختیار دولت گذاشته است. درحالی که مطابق با اصول گات،

دولت‌ها برای الحاق به سازمان می‌بایست آزادسازی تجاری را مورد توجه قرار دهند. بدین ترتیب، اقدام به سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش آن یکی از توافقات اصلی در حوزه جهانی‌سازی تجارت در سازمان مزبور است که با اصل فوق منطبق نیست؛ زیرا که هدف گات اساساً کم‌رنگ کردن نقش دولت در تجارت مستقیم کالا، خدمات و هدایت اقتصاد به سمت اقتصاد غیردولتی است.

همچنین وفق اصل هفتاد و هفتم، کلیه عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌ها باید به تصویب مجلس برسد؛ لیکن در قواعد و رویه سازمان تجارت جهانی اساساً چنین چیزی موضوعیت ندارد و دخالت مجالس قانون‌گذاری هیچ‌یک از اعضا در این رابطه مطرح نشده است. دیگر آنکه در اصل ۸۱ صراحتاً بر ممنوعیت مطلق واگذاری امتیاز تشکیل شرکت‌های تجاری و خدماتی تأکید شده، در صورتی که در مقررات سازمان تجارت جهانی مقرر شده است که کشورهای عضو در سازمان قادرند در دیگر کشورهای عضو سازمان امتیاز تأسیس شرکت داشته باشند. بالأخره در اصل ۱۳۹ قانون اساسی کشورمان مطرح شده است که صلح دعاوی مرتبط با اموال عمومی یا ارجاعش به داوری، در اموری که طرف خارجی و مرتبط با امور اساسی و ضروری داخلی باشد، می‌بایست به تصویب مجلس برسد. این اصل با توجه به وجود نهاد و رکن حل‌وفصل اختلافات بین اعضای سازمان تجارت جهانی مغایرت دارد. همچنین اعمال اصل ۱۳۹ دخالت مجالس قانون‌گذاری هیچ‌یک از اعضا در این رابطه مطرح نشده است؛ زیرا این سازمان یکی از فعال‌ترین مکانیسم‌های حل‌وفصل اختلافات جهان را در اختیار دارد که از زمان تأسیس در سال ۱۹۹۵ تاکنون، بیش از ۵۰۰ اختلاف به سازمان آمده و بیش از ۳۵۰ حکم صادر شده است (عزیزی و اکبری دوبرجی، ۱۳۹۷، ص ۸۴). با توجه به موارد ذکر شده در بالا می‌توان گفت، قانون اساسی ایران با دو اصل اساسی آزادسازی تجاری و عدم تبعیض سازمان سازگار و منطبق نیست. در اینکه قانون اساسی به‌عنوان شالوده قوانین و مقررات عمومی کشور است، جای تردید و گمانی وجود ندارد؛ لیکن اگر بنابر رفاه و حمایت از حقوق و آزادی‌های عموم افراد جامعه باشد، مصلحت اقتضا می‌کند در این مورد حتی با توجه به سستی و موانع موجود، نسبت به بازنگری قانون اساسی در جهت ایجاد مصالح و منافع عموم در اسرع زمان ممکن اقدام گردد.

در اصل ۷۷ قانون اساسی، می‌بایست کلیه مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی به تصویب مجلس برسد که این امر مشتمل بر موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت نیز است؛ که ضرورت تصویب، سدی مقابل عضویت در سازمان تجارت جهانی و دستیابی به جریان تجارت آزاد می‌شود.

همانطور که پیش‌تر گفته شد، براساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی، صلح و دعاوی راجع به اموال

عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری پس از تصویب هیئت وزیران می‌بایست به اطلاع مجلس رسانده شود؛ در صورتی که در رابطه با موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، ابتدا اختلاف بین اعضا به واسطه مشورت با هم برطرف می‌شود و در صورت عدم رفع به سیستم بین‌المللی حل اختلاف ارجاع داده خواهد شد و مرجع حل اختلاف، حق تشکیل هیئت‌های رسیدگی را دارد و بر اجرای احکام نظارت می‌کند. بنابراین، در حل و فصل اینگونه اختلافات به دخالت مجالس قانون‌گذاری در کشورهای عضو نیازی نیست. در اصل ۴۴ نیز، یکی از تناقض‌های ابتدایی مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت با نظام اقتصادی ایران مشاهده می‌شود. منظور گات و سازمان تجارت جهانی، کاستن از دخالت دولت‌ها در تجارت کالاهای اساسی و سمت و سود دادن اقتصاد کشورها به اقتصاد غیردولتی است.

در صورتی که در ایران، طبق اصل ۴۴، منابع مهم اقتصادی کشور در اختیار دولت قرار گرفته‌اند، هرچند در اجرا به طور کامل رعایت نمی‌شود و حوزه‌های خصوصی و شبه خصوصی در بازرگانی خارجی فعالیت می‌کنند. در حالی که در مقابل و براساس اصل ۱۶ موافقت‌نامه گات، در حیطه دسترسی به بازار، اصل آزادسازی تجاری از اصول مسلط بر گات می‌باشد که در مورد الحاق کشورها به سازمان جهانی تجارت مورد توجه است. اصل ۸۱ قانون اساسی بیانگر پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی است؛ که براساس آن خارجیان نمی‌توانند امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات را بگیرند؛ اما طبق موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی برای اعضا این امکان هست که نسبت به خدمات مذکور اقدام و فعالیت کنند؛ در نتیجه، این موضوع با مفاد اصل ۸۱ قانون اساسی تعارض دارد. براساس رویه‌ای که اعضا سازمان تجارت جهانی برای مذاکره مدنظر دارند، کشورهای مذاکره‌کننده می‌توانند، امور خدماتی مخصوص را که فکر می‌کنند به حمایت داخلی نیاز دارد، شامل مذاکره نکنند؛ اما اینکه همه رشته‌های خدماتی موردنظر را از مذاکرات خارج نمایند، ممنوع است. لذا می‌توان رشته‌های خدماتی ویژه را که دارای حساسیت هستند، در مذاکرات دخیل نکرد. هرچند براساس قانون می‌توان تا ۴۹ درصد از سهام شرکت سهامی را به سرمایه‌گذاری خارجی اختصاص داد؛ اما تفسیر آن جزء وظایف شورای نگهبان است. بر این اساس، مقررات سازمان تجارت جهانی می‌گوید: هر کشور عضو در سازمان تجارت جهانی حق تأسیس شرکت را در کشورهای دیگر عضو دارد، که در تناقض با قانون اساسی ایران قرار می‌گیرد و در صورت الحاق کامل می‌بایست، مورد توجه باشد.

در بند ۲ ماده ۱۶ موافقت‌نامه گات آمده است، برقراری محدودیت مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی در حیطه حداکثر درصد سهام خارجی چه بر مبنای کل ارزش یک‌یک یا مجموع سرمایه‌گذاری

خارجی ممنوع است، که این ماده از گات با اصل ۸۱ قانون اساسی تناقض دارد.

در اصل چهارم قانون اساسی، منطبق بودن قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی بر «موازین اسلامی» تأکید شده است و در مقابل مشاهده می‌شود که در بند ۴ از ماده ۱۶ موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت آمده است، هر عضو می‌بایست قوانین و آئین‌نامه‌های اداری کشورش را با تعهداتش در گات منطبق نماید. علاوه بر آن، ماده ۲۳ موافقت‌نامه هم به امور مربوط به حقوق مالکیت معنوی - بر حمایت‌های تجاری جهت علائم جغرافیایی مشروبات الکلی منطبق است - تأکید دارد؛ بدین ترتیب، ماده ۲۳ این موافقت‌نامه با ماده ۴ قانون اساسی ایران مغایرت دارد.

### ۳-۳-۲. موانع موجود در قوانین ارزی

از نظر مقررات سازمان تجارت جهانی، سهمیه‌بندی ارزی و اختصاص ارز به واردات کالا بر مبنای اولویت‌های خاص و همچنین نرخ‌های ارز ترجیحی نوعی محدودیت هستند. در مقابل، حمایت از صنایع و تولید داخلی از طریق اقداماتی از قبیل سهمیه‌بندی ارز، تعادل در قیمت محصولات داخلی با اختصاص ارز به مراکز معتبر و صادرات محصولات داخلی در قالب دامپینگ، از جمله اموری است که در کشور جمهوری اسلامی ایران متداول است (دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳، ص ۵۱). از راه‌های دیگر می‌توان به ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی در قالب قوانین سازمان تجارت جهانی، ممنوعیت یارانه صادراتی اشاره نمود که با مقررات و سیاست‌های تشویق صادرات در کشور مغایرت دارد. چراکه صادرکنندگان از نرخ‌های ارز ترجیحی برای ورود اقلام موردنیاز استفاده می‌کنند (بیدآباد، ۱۳۹۱، ص ۴۴).

### ۳-۳-۳. موانع موجود در قوانین امور گمرکی

قانون اصلی در زمینه امور گمرکی، قانون امور گمرکی ۱۳۹۰/۹/۱۶ و آیین‌نامه اجرایی آن است که در ادامه به بررسی موانع موجود در آن پرداخته خواهد شد. قوانین و مقررات گمرکی ایران دارای نواقصی است مثل تنش میان صادرکنندگان و سیستم گمرکی، زمان طولانی و چرخه کاری منصرف‌کننده و ساختار گمرکی مبتنی بر تفکرات بوروکراتیک. علاوه بر این موارد، عدم ثبات مقررات گمرکی، شفاف نبودن قوانین اقتصادی و گمرکی است که سبب عدم گرایش تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران به تولید و در نتیجه تمایل به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیردولتی و سودآور می‌شود (بوستانی، ۱۳۹۵، ص ۸).

ماده ۱ قانون امور گمرکی به توضیح اصطلاحات گمرکی اختصاص داده شده است:

**کالای مجاز:** کالایی که صدور یا ورود آن با رعایت ضوابط نیاز به کسب مجوز ندارد.

**کالای مجاز مشروط:** کالایی که صدور یا ورود آن نیاز به کسب موافقت قبلی یک یا چند سازمان

دولتی دارد.

**کالای ممنوع:** کالایی که صدور یا ورود آن بنا به مصالح ملی یا شرع مقدس اسلام و به موجب قانون ممنوع است. ۹۰ که شبیه ماده ۲ قوانین و مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲ است، در مغایرت آشکار با ماده ۱۶ گات در خصوص دسترسی به بازار آزاد قرار دارد، که اصول آزادسازی تجاری و عدم تبعیض از جمله اصول حاکم بر موافقت‌نامه آن است، که در مورد پیوستن کشورها به سازمان جهانی تجارت مورد توجه قرار می‌گیرد.

همچنین، در مواد ۵ تا ۷ قانون گمرکی کشور بر حمایت‌های تعرفه‌ای و محدودیت‌های خاص در مورد نوع کالاها و وارداتی و اتخاذ عوارض در بعضی از این کالاها اشاره شده است؛ که با اصول ۱ و ۲ گات که بر وحدت رویه وضع محدودیت نرخ‌های تعرفه، تأکید دارد، در تعارض هست.

مطابق با قوانین گات، تنها ابزار قانونی حمایت از صنایع، تعرفه‌های گمرکی هستند. اما ایران بیشتر به دلیل تخصیص یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم و اعطاء ارز حمایت اقتصادی می‌کند. مواد ۵ و ۷ و ۸ موافقت‌نامه گات که در مورد آزادی ترانزیت، شرایط واردات و صادرات کالا و راه‌های مورد نظر در ارزیابی گمرکی است، در مواردی با مواد ۱۷۲ و ۱۹۲ آئین‌نامه ارزیابی گمرکی کشور منطبق نیست. برای مثال در ماده ۵ گات هیچ‌گونه تمایزی بر مبنای پرچم کشتی، مبدأ ورود و خروج یا مقصد، همچنین شرایط مرتبط با مالکیت کالای کشتی یا دیگر وسایل حمل‌ونقل، قرار داده نشده است؛ در حالی که در قوانین و مقررات ایران در مورد برخی کشورها محدودیت وجود دارد.

### ۳-۳-۴. موانع موجود در قوانین بیمه ایران

براساس موافقت‌نامه عمومی راجع به تجارت خدمات، یک عضو نباید اقداماتی انجام دهد، که برای حمایت از سرمایه‌گذاران، سپرده‌گذاران، صاحبان اوراق بیمه یا اشخاصی که عرضه‌کننده خدمات مالی هستند، ممانعت به عمل آورد (وکیل، ۱۳۹۳، ص ۴۶)؛ اما در حقوق ایران، طبق اصل ۴۴ و اصل ۸۱ قانون اساسی، اولاً صنعت بیمه ارگانی دولتی در نظر گرفته شده، در ثانی مشارکت شرکت‌های خارجی در نظام بیمه‌ای کشور ممنوع اعلام شده است. این موضوع به طور شفاف در مواد (۱) و (۲) لایحه قانونی ملی شدن مؤسسات بیمه و مؤسسات اعتباری در سال ۱۳۵۸ اینگونه بیان شده است: «به قصد حفظ حقوق بیمه‌گذاران و گسترش صنعت بیمه در کشور و انتصاب بیمه برای همه، از تاریخ تصویب این قانون، تمامی مؤسسات بیمه ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط، ملی تلقی شده و پروانه فعالیت نمایندگی‌های مؤسسات بیمه خارجی در کشور لغو می‌گردد».

دیگر آنکه، مطابق با ماده ۳۵ قانون بیمه کشور، آغاز به کار مؤسسات بیمه خارجی در کشور و اعطای سهام مؤسسات بیمه ایرانی غیردولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی، با أخذ تأییدیه از

سوی بیمه مرکزی و تنها تا سقف ۲۰ درصد مجاز است و افزون بر آن، باید به تأیید شورای عالی بیمه ایران و تصویب هیئت وزیران برسد. در تبصره این ماده هم، انتقال سهام مؤسسات بیمه ایرانی به دولت‌های خارجی یا انتقال بیش از ۴۹٪ سهام آن‌ها به اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی مطلقاً ممنوع اعلام شده و انتقال سهام بین سهامداران اتباع خارجی منوط به موافقت قبلی بیمه مرکزی ایران است؛ پس حتی اگر تبصره ماده ۳۵ که بر مشارکت چهل و نه درصدی سهام به شرکت‌های بیمه خارج مورد قبول باشد، این ماده مغایر با بند ۱ و ۲ از ماده ۱۶ گات است.

علاوه بر آن، براساس ماده ۴۶ قانون بیمه، مؤسسات خارجی موظف به پرداخت مبلغی برای بیمه‌های زندگی و غیرزندگی نزد بیمه مرکزی ایران هستند. مطابق با ماده ۴۷، انتقال درآمد مؤسسات بیمه خارجی به خارج، پس از پرداخت ودیعه مندرج در ماده ۴۶، ممانعتی ندارد؛ به شرط آنکه مقدار وجه مورد انتقال از ۱۰٪ میزان ودیعه بیشتر نباشد. همین‌طور براساس بند (ج) ماده ۱۲ موافقت‌نامه، برقراری محدودیت‌هایی در تعداد کل عملیات خدمات یا مقدار کل ستانده خدماتی اعلام شده بر مبنای واحدهای عددی، چه به صورت سهمیه یا الزام منبعث از یک معیار نیازسنجی اقتصادی ممنوع است. پس مشاهده می‌شود، مواد ۴۶ و ۴۷ قانون بیمه ایران با مواد «ب» و «ج» از ماده ۱۲ موافقت‌نامه متناقض هستند. همچنین بر مبنای موافقت‌نامه مذکور، مؤسسات پولی و بانکی و بیمه خارجی این اجازه را دارند که در قلمرو اعضا تشکیل شوند؛ اما طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، فعالیت این نوع مؤسسات ملی است. بدین ترتیب، راه برای فعالیت عرضه‌کنندگان خدمات مالی خارجی هموار نیست.

### ۳-۳-۵. موانع موجود در قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه‌های آن

اولین قانون مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی، قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی مصوب ۷ آذر ۱۳۳۴ با اصلاحات بعدی و آیین‌نامه اجرایی آن، مصوب ۱۳۳۵ است. بعد از انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۸۰ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، جایگزین قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی گردید. از سوی دیگر، ضوابط مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در سازمان تجارت جهانی در دو موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری<sup>۱</sup> (که ناظر بر تجارت کالا است) و موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات<sup>۲</sup> (که در مورد تجارت خدمات است) مطرح شده است (زارع احمدآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۱).

1. Trade Related Investment Measures Agreement (TRIMs Agreement)

2. General Agreement on Trade in Services (GATS)

### ۳-۵-۱. چالش‌های قانون سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با مقررات سازمان تجارت جهانی

همچنین تشریفات طولانی سرمایه‌گذاری و کسب مجوزها، تزلزل در حقوق مالکیت، محدودیت آزادی ورود و خروج ارز و ایجاد ناامنی در سرمایه‌گذاری، از جمله موانع در این زمینه هستند. بنابراین، لازم است، با تدوین قوانین حمایتی هدفمند در امور مرتبط با سرمایه‌گذاران خارجی به‌ویژه در زمینه‌های تشریفات پذیرش و اخذ مجوزها، پرداخت‌ها و انتقالات ارزی، امنیت سرمایه، حل و فصل اختلافات و سازمان حقوقی مناسب و ایده‌آل برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی اقدام گردد.

### ۳-۵-۱-۱. مرجع صالح برای حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی

یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعاتی که سرمایه‌گذاری خارجی با آن مواجه هستند، چگونگی حل و فصل اختلافات است. علاوه بر محدودیت پیش‌بینی شده در اصل ۱۳۹ قانون اساسی، ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، در فصل حل و فصل اختلافات، مرجع صالح را دادگاه‌های داخلی قرار داده است، مگر آنکه در قانون موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی با دولت متبوع، سرمایه‌گذار خارجی در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلاف توافق کرده باشد. در این صورت، سرمایه‌گذار خارجی به بی‌طرفی دادگاه‌ها و مراجع محلی در حل و فصل اختلافاتی که احتمالاً میان او و دولت میزبان به وجود می‌آید اطمینان ندارد و این عدم اطمینان در اغلب موارد قابل توجیه است؛ زیرا به‌طور سنتی از نظر سرمایه‌گذار، بهترین روش اطمینان از دادرسی منصفانه، داوری در کشور و مرجعی بی‌طرف است.

### ۳-۵-۱-۲. نقض اصل رفتار ملی در ممنوعیت تملک زمین توسط سرمایه‌گذار خارجی

در تبصره ماده ۲ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری برون مرزی، تملک هر نوع زمین به هر مقدار به نام سرمایه‌گذار خارجی ممنوع است. در حالی که مطابق با موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات از جمله مواردی که می‌تواند موجب نقض اصل رفتار ملی شود، الزام به داشتن تابعیت داخلی، یا سکونت دائم در داخل کشور برای تملک زمین است. بنابراین، تبصره مزبور نقض اصل رفتار ملی مورد نظر سازمان تجارت جهانی قلمداد می‌شود.

### ۳-۵-۱-۳. اعمال محدودیت کمی و مقداری برای سرمایه‌گذار خارجی

۱) ایجاد ممنوعیت در صادرات کالای تولیدی سرمایه‌گذار خارجی: طبق بند ۶ از ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۳، آزادی صادرات کالای تولیدی بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر تضمین شده است؛ ولیکن در صورت ممنوعیت صادرات، کالای تولیدی باید در داخل به فروش برسد؛ اما درآمد حاصل آن، به‌صورت ارز از طریق شبکه پولی

رسمی کشور قابل انتقال به خارج است. بنابراین، ممنوعیت سرمایه‌گذار خارجی بر صادر نمودن کالای تولیدی‌اش و الزام او به فروش محصولش در داخل، مغایر با اصول و مقررات سازمان تجارت جهانی است.

۲) اعمال محدودیت قانونی بر فروش کالای تولیدی در داخل: در ماده ۲۶ آیین‌نامه فوق، اعمال محدودیت قانونی برای سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر الزام به فروش تولیدات خود در بازار داخلی را در زمانی که دولت اعمال محدودیت می‌کند، بیان نموده که به لحاظ آنکه حذف محدودیت‌های مقداری یا کمی برای سرمایه‌گذار خارجی در ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ پیش‌بینی شده است، این دو قانون مغایر یکدیگر هستند.

۳) ایجاد محدودیت در محل تأمین ارز برای خروج سرمایه و منافع مربوطه: ماده ۲۳ همان آیین‌نامه، محل تأمین ارز برای خروج سرمایه و منافع مربوط به سرمایه‌گذاری را، از راه ارز به دست آمده از صدور کالاهای تولیدی و ارائه خدمات بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر، یا صدور دیگر محصولات مجاز اعلام نموده است؛ که این امر یک نوع محدودیت دسترسی به ارز برای سرمایه‌گذار خارجی تلقی می‌شود که با مقررات موافقت‌نامه عمومی خدمات در سازمان تجارت جهانی در تعارض است؛ زیرا یک عضو حق ندارد (در بخش‌هایی که تعهداتی را پذیرفته است) در مورد پرداخت‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاران خارجی، محدودیت ارزی اعمال کند.

### ۳-۳-۶. موانع موجود در قوانین مالیاتی ایران

ماده ۳ موافقت‌نامه گات پیرامون رفتار ملی در حیطه برقراری مالیات و مقررات درون مرزی، دول را الزام به اتخاذ قوانین و وحدت رویه پیرامون کالاهای وارداتی و تولیدات داخلی می‌نماید. در این ماده آمده است، کالاها و تولیدات کشورهای طرف قرارداد گات که وارد کشور متعاقد دیگر می‌شود، مشمول مالیات و مبالغی می‌شوند که برای محصولات مشابه داخلی است و دریافت وجه بیشتر از آن ممنوع است.

برخی مواد قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴ مثل مواد ۱۴۱، ۱۳۳، ۱۴۲ اقدام به حمایت از تولیدکنندگان داخلی در پوشش معافیت‌های مالیاتی می‌کند، که مفاد این مواد در مغایرت مبرهن با اصول آزادسازی تجاری و اصل عدم تبعیض موردنظر سازمان تجارت جهانی است. البته لازم به ذکر است، که اصولاً گات حمایت از تولیدات و صنایع داخلی را ممنوع اعلام نمی‌کند، بلکه مقرراتی ویژه مثل ماده ۲ اساسنامه را لحاظ می‌نماید که این قبیل حمایت‌ها می‌بایست، اساساً از طریق تعرفه‌های گمرکی انجام شود، نه اقدامات تجاری. هدف اساسی این اصل، برپایی شفافیت در اجرای سیاست‌های حمایتی است که حمایت در تجارت به وجود می‌آورد.



- درنهایت، زمینه‌های اختلاف در این مورد را به شرح زیر می‌توان برشمرد:
- وضعیت حقوقی تجارت خارجی در کشور؛
- متعدد بودن نرخ تعرفه کالاهای خارجی در کشور؛
- حمایت از صنایع با تخصیص ارز؛
- حمایت از صادرات مطابق با پیمان‌های ارزی واردات مواد اولیه؛
- رویه‌های حمایتی غیرتعرفه‌ای مانند تخصیص‌های ارزی، معافیت‌های مالیاتی و تشویق‌های صادراتی؛
- استمرار در اخذ عوارض؛
- فعالیت ارگان‌هایی مثل سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده مبتنی بر دریافت مابه‌التفاوت‌ها از کالاهای وارداتی و ....

### ۳-۳-۷. موانع موجود در مکانیسم حل اختلاف

بحث اصلی در زمینه سازگاری سیستم حل اختلاف ایران با موافقت‌نامه حل اختلاف سازمان تجارت جهانی به اصل ۱۳۹ قانون اساسی برمی‌گردد؛ طبق تفاهم‌نامه راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات، مراجع حل اختلاف مسئول رسیدگی به اختلافات تجاری میان کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی هستند و دخالت مجلس قانون‌گذاری هیچ‌یک از کشورهای عضو در این رابطه مطرح نشده است. در واقع تصمیم نهایی در خصوص حل مسائل و اختلافات میان اعضا، طبق قواعد و رویه‌های مشخص شده توسط مراجع حل اختلاف صورت خواهد گرفت (کمیجانی، ۱۳۷۶، ص ۳۹).

مسئله مطروحه در اصل ۱۳۹ (که در ماده ۴۵۷ آیین دادرسی مدنی نیز تکرار گردیده است)، در زمینه صلح یا داوری، دعاوی ناظر به اموال عمومی و دولتی، قابلیت شمول بر کدام یک از مکانیسم‌های حل اختلاف سازمان تجارت جهانی را دارد؟ که در صورت قابلیت شمول اصل فوق بر هر کدام از مکانیسم‌های حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، در آن زمینه باید اقدامات مطرح در اصل ۱۳۹ انجام شود؛ که این اقدامات با مقررات تفاهم‌نامه مغایرت دارد که قبلاً با عضویت و قبول تفاهم‌نامه، اعمال کامل مقررات نظام حل اختلاف، بدون اقدامات مذکور در اصل ۱۳۹، باید رعایت شود و نیازی به اقدامات اصل ۱۳۹ نیست.

طرق غیرقضایی از قبیل مشورت، سازش، مساعی جمیله و میانجی‌گری به طور خودکار اصل ۱۳۹ را شامل نیستند و اقدام به آن‌ها به کسب مجوز موضوع اصل نیاز ندارد. اما محتوای اصل تأثیر بسزایی بر آن‌ها دارد؛ اگر این طرق منجر به مصالحه شود، انجام آن به دریافت مجوز مورد تأکید در

اصل ۱۳۹ بستگی دارد. در قالب نتیجه بحث، لازم به گفتن است که اگر ایران به سازمان تجارت جهانی بپیوندد، با توجه به نبودن قید و شرط در این مورد، عملاً تعارض پدیدار می‌گردد؛ چراکه این‌گونه طرق (غیر قضایی) در صورت منتهی شدن به صلح، به اجازه مجلس و دولت نیاز دارند (جنیدی، ۱۳۹۲، ص ۹۹). در زمینه حل اختلاف و اصل ۱۳۹، یا هنگام تصویب الحاق به سازمان، توسط مجلس شورای اسلامی، مجلس می‌تواند به دیده اغماض به این اصل بنگرد و الحاق را تصویب کند؛ اما مشکلات بعد، در زمان ایجاد اختلاف و طرح دعوا به وجود می‌آید، یا اینکه در ابتدا اصل مزبور حذف شود.

### ۳-۴. راه برون رفت از موانع

به باور موافقان عضویت در سازمان تجارت جهانی، برخی فرصت‌ها و راه‌های برون‌رفت از موانع وجود دارد، که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با ورود به (WTO) از برخی استثنائات قاعده دولت کامله‌الوداد که در ایران شرایط آن نسبتاً فراهم است، استفاده کند. یکی از این مستثنیات که در ماده ۲۴ گات ۱۹۹۴ آمده است، تصریح می‌کند که کشورها در صورت برخورداری از ترتیبات منطقه‌ای (اعم از اتحادیه‌های گمرکی، مناطق آزاد و...) می‌توانند تعرفه‌ها و سایر موانع فرار راه تجارت را به طور تبعیض‌آمیزی کاهش دهند (راهنمای تجاری در اروگوئه، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴).

همچنین می‌توان از گزینه دادن فرصت زمانی بیشتر یا گرفتن امتیاز کم‌تر از ممالک در حال توسعه در توافق دور اروگوئه در مورد محصولات کشاورزی، حذف یارانه‌ها، حذف کمک‌های دولتی، جعبه سبز، در مورد حمایت از مالکیت معنوی و در مورد کلیه امور مربوط به بخش خدمات (بانکداری، بیمه، توریسم، حمل و نقل و...)، یا معافیت‌های خاصی برای ممالک در حال توسعه استفاده نمود. زیرا سازمان تجارت جهانی به کشورهای در حال توسعه اجازه داده است که امتیاز کم‌تری در هر مورد واگذار کنند، یا مدت بیشتری برای اجرای تعهدات خود داشته باشند. مهم‌ترین ثمره الحاق، تضمین ثبات رفتار تجاری طرف‌های تجاری در بازارهای صادراتی است؛ بنابراین، فرصت‌های الحاق در کشورهایی بیشتر مورد تأکید است که از مزیت‌های صادراتی برخوردار بوده‌اند و صادرات نقش مهمی در سیاست توسعه ملی آنها دارد. در این فضا، امنیت و قابلیت پیش‌بینی پذیری بازارهای پیش روی محصولات صادراتی افزایش می‌یابد و ابزارهای حقوقی لازم برای برخورد با رفتارهای تبعیض‌آمیز و غیرمنصفانه را فراهم می‌آورد. یکی دیگر از مزایای الحاق، امکان مشارکت در اتخاذ تصمیمات بین‌المللی و امکان تغییر برخی قواعد تجاری در سطح جهانی است. همسانی قوانین و مقررات داخلی با مقررات بین‌المللی یکی از مزایای دیگر الحاق

است که به امنیت و شفافیت فضای تجاری در کشور کمک می‌کند؛ ولی فراهم‌سازی این فضا در کشورهایی که امکان دارد از واردات لطمه ببینند، می‌تواند تهدیداتی را نیز به اقتصاد کشور وارد و اقتصاد ملی و تولید داخلی را به مخاطره اندازد.

عضویت در سازمان تجارت جهانی و بهره‌گیری از قیمت‌های آزاد شده و بالای محصولات کشاورزی در این چارچوب می‌تواند، نقش مؤثری در تشویق مردم و سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، افزایش بهره‌وری در این بخش و رشد صادرات کشاورزی کشور داشته باشد. از دیگر راه‌های برون رفت از این وضعیت می‌توان گفت، در بطن مواد و بندهای موافقت‌نامه‌های مختلف، گریزگاه‌هایی وجود دارد که در صورت دقت نظر کشورهای خواهان عضویت، می‌تواند شرایط مطلوبی را برای آنها به وجود آورد. یکی از راه‌های تحقق این هدف تنظیم دقیق پروتکلی است که هر کشور علاقه‌مند به عضویت باید تنظیم و در اختیار کمیته بررسی‌کننده و تمامی اعضا قرار دهد. پروتکل یادشده مبین خواست‌های یک کشور در جهت حفظ و گسترش منافع ملی و بلندمدت است. در نتیجه، متن پروتکل براساس قدرت چانه‌زنی، توان اقتصادی، قرار گرفتن در گروه کشورهای در حال توسعه یا کم‌تر توسعه‌یافته، اهداف و برنامه‌های توسعه و... برای اعضا متفاوت است. بنابراین، به طور خلاصه می‌توان موارد زیر را در این راستا برشمرد:

- ۱) اقتصاد دولتی باید از انحصار دولت خارج شود و با مشارکت بخش خصوصی به‌سوی آزادسازی تجاری برود؛
- ۲) حذف سهمیه‌ها، رانت‌ها، محدودیت‌ها، حمایت‌ها، یارانه‌ها، کاهش تعرفه‌ها و تغییر تعرفه‌ها و نهایتاً حذف تدریجی تعرفه‌ها در راستای مقررات سازمان تجارت جهانی باشد؛
- ۳) اجرای برنامه‌ای هدفمند و اتخاذ تدابیر مناسب در سیاست‌های کلان و بخش‌های عمده اقتصادی کشور؛
- ۴) بسترسازی قانونی از طریق بازنگری در برخی قوانین موردنظر مانند قانون اساسی، قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه، بانکداری، گمرک، مالیات و... و تطبیق آن‌ها با قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی؛
- ۵) مشارکت در مذاکرات سازمان تجارت جهانی از طریق مطالعات مستمر و تحقیقات دقیق اقتصادی حقوقی توسط کارگروه‌های متخصص؛
- ۶) ایجاد هماهنگی بین تمامی قوانین پولی، مالی، ارزی و تجاری کشور؛
- ۷) ایجاد تشکیلاتی به‌منظور سازمان‌دهی بازار صادرات و با هدف ایجاد زمینه لازم برای رشد صادرکنندگان حرفه‌ای و خیره.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در دنیایی که سازمان تجارت جهانی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جریان جهانی‌سازی، نقشی اساسی را در مدیریت تجارت آزاد در سطح جهان به عهده گرفته است، به‌گونه‌ای که ۱۶۴ کشور به عضویت این سازمان درآمده‌اند، عدم حضور ایران در این سازمان به انزوای ناخواسته و از بین رفتن قدرت تجاری و صادراتی آن، منجر خواهد شد. بنابراین، حرکت به سمت عضویت در این سازمان و مواجهه اجباری با فرصت‌ها و تهدیدات مرتبط با آن مسیری گریزناپذیر برای اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود. در چنین شرایطی، برنامه‌ریزی کلان دولت برای حرکت به سمت مزیت‌های موجود در کشور و شناسایی دقیق و واقع‌بینانه اقتصاد و اجرای برنامه‌های هدفمند با رویکرد مناسب که منتج به توسعه صادرات و کمک به افزایش توان رقابت‌پذیری شرکت‌های داخلی می‌شود، از مهم‌ترین اقداماتی است که باید در دستور کار مسئولین در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی قرار گیرد. همچنین در ایران به دلیل دسترسی به منابع ارزی حاصل از صدور نفت، بخش تجارت خارجی به‌درستی و متناسب با نیازها توسعه نیافته و در نتیجه مشکلات گوناگونی پدید آمده است.

با توجه به اینکه سال‌هاست که دولت مردان ایران بدون در نظر گرفتن واقعیات، شرایط روز و مشکلات پیش‌رو، به یاد سازمان تجارت جهانی WTO می‌افتند و هر از چندگاهی داستان پیوستن و الحاق ایران به این سازمان را پیش می‌کشند؛ این پژوهش انجام شد و پس از بررسی‌ها مشخص گردید، که مشکلات ایران جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. به غیر از مشکلات، معضلات و نابسامانی‌های فعلی حاکم بر اقتصاد ایران، برخی از قوانین داخلی نیز با مقررات WTO همخوانی ندارند. از جمله اصل ۴۴ قانون اساسی، مالکیت و انحصار دولت بر صنایع و معادن بزرگ، بانکداری، رادیو و تلویزیون، کشتیرانی، هواپیمایی و... (یعنی حضور بیش از حد دولت و شبه دولتی‌ها در عرصه اقتصاد و نقش کمرنگ بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی)؛ همچنین تک‌نرخ نبودن نرخ ارز و قوانین مربوط به بیمه‌های خارجی، عدم حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تعرفه‌های بالای واردات و برخی دیگر از قوانین داخلی، به هیچ وجه با مقررات WTO همخوانی ندارد؛ بلکه به‌شدت مغایرت هم دارند. بروز این مشکلات و کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت در آینده اهمیت بخش بازرگانی خارجی و حضور در بازارهای جهانی را گوشزد می‌نماید. بنابراین، افزایش تولید، بالا بردن توان صادراتی و رقابتی در سطح جهان و بهره‌مندی از تسهیلات سازمان تجارت جهانی یک ضرورت است، که می‌بایست در بلندمدت به آن توجه شود.

## منابع

- آذری، مصطفی (۱۳۹۱). *ایران و سازمان تجارت جهانی: فرصت‌ها و چالش‌ها*. تهران: موسسه انتشاراتی تدبیر.
- آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱.
- احمدی کاشانی، پیام (۱۳۹۱). *ایران و سازمان تجارت جهانی*. تهران: انتشارات ماهتاب.
- ادیب محمدحسین (۱۳۸۶). *ایران و سازمان تجارت جهانی، بحران اقتصاد بازار و دموکراسی در ایران*. اصفهان: انتشارات آموزه، چاپ سوم.
- بشارتی، جلیل (۱۳۸۹). *عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی*. تهران: نشر کتیبه، چاپ دوم.
- بوستانی، حسین (۱۳۹۵). *تجارت جهانی: فرصت‌ها و تهدیدها، روزنامه دنیای اقتصاد*. سال یازدهم، شماره ۳۷۳۱.
- بیدآباد، بیژن (۱۳۹۱). *کنترل بازار آزاد ارز با هدف‌گذاری پولی و سیاست‌های تحدیدی تورم*. تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی.
- جنیدی، لعلیا (۱۳۹۲). *اصل ۱۳۹ قانون اساسی و سیستم حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت*. در: مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان تجارت جهانی.
- دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳). *دسترسی به بازار در سازمان تجارت جهانی وظیفه‌ای ناتمام*. ترجمه محمدحسن زارع، میرهادی سیدی، مسعود کمالی اردکانی، فرزاد مرادپور، و میترا نصیری. تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ دوم.
- راستی، محمد (۱۳۹۲). *آثار الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر صنایع کوچک و متوسط*. تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ دوم.
- راهنمای تجاری در اروگوئه، ۱۳۷۵.
- زارع احمدآبادی، محمدحسین (۱۳۹۱). *قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و الزامات WTO*. در: مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه اقتصادی.
- سوری، حسین (۱۳۹۷). *تأثیر پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت با تأکید بر امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی*. تهران: موسسه انتشاراتی دیپادخت.
- صنایعی، علی؛ آذربایجانی، کریم (۱۳۸۸). *پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی WTO و پیش‌بینی تأثیرات آن بر صنایع*. تهران: انتشارات آتروپات، چاپ دوم.
- عزیزی، آریا؛ اکبری دوبرجی، الهه (۱۳۹۷). *حل و فصل منازعات در سازمان تجارت جهانی*. تهران: انتشارات قانون یار.
- علیاری، بابک؛ سوری، مجید (۱۳۹۵). *سازمان تجارت جهانی: ایران، تهدیدها و فرصت‌ها*. تهران: موسسه انتشاراتی طحان، چاپ سوم.
- قادری، لیلا (۱۳۸۸). *سازمان تجارت جهانی*. تهران: موسسه انتشاراتی خانه تاریخ و تصویر ابریشمی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸.
- قانون امور گمرکی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۰.
- قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، مصوب ۱۳۸۰.
- قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری، مصوب ۱۳۳۵.

- قانون مالیات‌های مستقیم جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۴.
- کمیجانی، اکبر (۱۳۷۶). بررسی برخی جنبه‌های اقتصادی و حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO). دیدگاه‌های حقوقی، ۲(۷).
- کمیجانی، اکبر (۱۳۹۰). تحلیلی پیرامون تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی آن. تهران: انتشارات سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی ایران، چاپ دوم.
- لایحه قانونی ملی شدن مؤسسات بیمه و مؤسسات اعتباری، مصوب ۱۳۵۸.
- محمدی، سمیه؛ محمدی، سمیرا؛ براتی، نسرين (۱۳۹۴). آثار حقوقی و تجاری عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی. تهران: انتشارات پارسینه.
- وکیل، امیرساعتد (۱۳۹۳). حمایت از مالکیت فکری در سازمان تجارت جهانی و حقوق ایران. تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم.
- هاشم‌پور وزوانی، شیمیا؛ داداش‌نژاد، داوود (۱۳۹۶). اسرار تجاری در تجارت بین‌الملل در چارچوب سازمان تجارت جهانی. تهران: انتشارات کتاب آوا.
- هراتیان‌نژاد، مجید؛ زارعی، مژگان (۱۳۹۷). الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و تأثیر آن بر بورس اوراق بهادار با تأکید بر اصل رفتار ملی. تهران: نشر شالان.

*Economist world report 2021.*

*General Agreement on Tariffs and Trade 1994.*